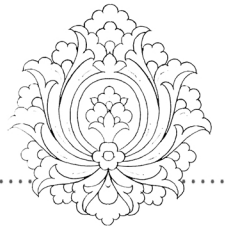


احزاب و حنین



۱. اوصال به حق

بوعلی سینا در تعریف عرفان گفته است:

«توجه مستمر درونی و انصراف فکری به طرف قدس جبروت به منظور تابش نور حق، عرفان است.»

رسیدن به چنین حالتی، آرزوی همه سالکان راه حق است. همت عالی آنان این است که همه حجاب‌های ظلمانی و نورانی عالم ملک و ملکوت را پشت سر نهند و با چشم دل، بدون واسطه، رخ زیبای یار را ببینند و خود را فدای او کنند.

این جان عاریت که به حافظ سپرده دوست روزی رُخش ببینم و تسلیم وی کنم

در مناجات شعبانیه، که زمزمه همه امامان بوده است، آمده است: «الهی و البحتی بنور عِزِّكَ الْبَاهِجِ فَاكُونْ لَكَ عَارِفًا وَ عَنِ سِوَاكَ مُنْحَرَفًا وَ مِنْكَ خَائِفًا مُرَاقِبًا يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ؛ معبودا، مرا به نور گرانبقدر خویش رسان تا نسبت به تو عارف گردم و از جز تو رخ برتابم و از تو ترسم و فرمانت برم، ای دارنده جلالت و کرامت!»

این حالت عالی روحی در اثر تقوای الهی، پرهیز از گناهان، انجام وظایف و پیشرفت در سیر و سلوک اخلاقی پدید می‌آید. سالار شهیدان در دعای عرفه از خدا می‌خواهد:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ؛ خدایا مرا در مرتبه‌ای از خوف از خودت قرار ده که گویا تو را می‌بینم.»



آن امام همام و یاران او خود را به خدا نزدیک می‌دیدند تا جایی که از همه هستی خویش گذشتند و هر سختی و تلخی را به جان خریدند. هر چه در راه جانبازی و جهاد جلوتر می‌رفتند، آثار شیرین این حالت عرفانی برایشان بیشتر جلوه‌گر می‌شد. در شب عاشورا پس از سخنان امام و اعلام وفاداری اصحاب، امام آنان را دعا کرد، سپس پرده از چشمانشان برداشت و آنان نعمت‌های بهشتی را که خدا عطایشان کرده بود دیدند و جایگاه خویش را شناختند.» همچنین پس از نماز ظهر عاشورا به آنان فرمود:

«يا كِرَامُ هَذِهِ الْجَنَّةِ فَتِجَتْ اَبْوَابُهَا وَ اِتَّصَلَتْ اَنْهَارُهَا وَ اَيْنَعَتْ ثِيَابُهَا وَ هَذَا رَسُوْلُ اللهِ وَ الشَّهَدَاءُ الَّذِيْنَ قَتَلُوْا فِي سَبِيْلِ اللهِ يَتَوَقَّعُوْنَ قُدُوْمَكُمْ وَ يَتَبَاشِرُوْنَ بِكُمْ فَحَامُوا عَنْ دِيْنِ اللهِ وَ دِيْنِ نَبِيِّهِ وَ ذَبُّوا عَنْ حَرَمِ الرَّسُوْلِ؛ ای بزرگواران! این بهشت است که دروازه‌هایش به رویتان گشوده شده و رودهایش به هم پیوسته و میوه‌هایش شیرین گشته است. رسول خدا ﷺ و شهدایی که در راه خدا کشته شده‌اند، منتظر ورود شما هستند تا خوش‌آمد گویند، بنابراین از دین خدا و پیامبرش دفاع کنید و از ناموس پیامبر پاسداری نمایید.»

حماسه‌سازان عارف کربلا آنچه را که دیگران در آینه نمی‌دیدند، در خشت خام می‌دیدند و بصیرت و عرفانشان پرده‌های زمین و زمان را درنوردیده بود و بر بام دنیا گام نهاده، حنین مقام ارجمندی را در پرتو همراهی با حضرت اباعبدالله ﷺ به دست آورده بودند:

زهیر بن قین آن‌گاه که آهنگ میدان کرد، دست بر دوش امام نهاد و گفت:

«اینک راه خویش را به نیکی یافته‌ام و عارفانه قدم به میدان می‌نهم و یقین دارم که به ملاقات نیاکان بی‌نظیر تو یعنی پیامبر و علی و حسن و جعفر طیار و حمزه علیهم السلام می‌شتابم.»

پرسش: چه صفاتی از امام حسین ﷺ در روز عاشورا ظهور کرد؟

شجاعت بدنی، قوت قلب و شجاعت روحی، ایمان کامل به خدا و پیغمبر و اسلام، صبر و تحمل عجیب، رضا و تسلیم، حفظ تعادل و هیجان بیجا نکردن و یک سخن سبک نگفتن نه خودش و نه اصحابش، کرم و بزرگواری و گذشت، فداکاری و فدا دادن.



حضرت علی اکبر ﷺ نیز یک بار از میدانان برگشت و در ظاهر از امام طلب آب نمود ولی در واقع آب حیات می‌طلبید، امام به او فرمود:

«پسر، به میدان باز گرد که پس از اندکی جنگیدن، جدت محمد ﷺ را ملاقات خواهی کرد و او چنان تو را سیراب خواهد کرد که پس از آن، هرگز تشنه نخواهی شد!»

پس از سخنان امام ﷺ آن مجاهد عارف به صف دشمن زد و حماسه آفرید. در آن میان منقذ بن عروه، او را هدف قرار داد و بر زمین افکند، علی اکبر در میان خاک و خون، فریاد برآورد:

«پدر عزیزم، درود بر تو، این، جدم پیامبر است که بر تو سلام می‌فرستد و پیام می‌دهد که هر چه زودتر به سوی ما بشتاب!»

راستی، در عرفانگاه کربلا چه رخ داده است که پدر از پسر، پسر از پدر، برادر از برادر و خواهر از برادر، دل می‌کند و خود را تسلیم امواج بلا می‌نماید؟ جز اینکه جملگی تصمیم گرفته‌اند از آوردگاه نینوا به بارگاه «دنی فتنلی» پر بکشند و با زبان حال و قال بگویند:

تَرَكْتُ الْخَلْقَ طَرًّا فِي رِضَاكَ وَ اَيَّتِمَّتِ الْعِيَالُ لِكُنْيِ اَرَاكَ فَلَوْ قَطَعْتَنِي اِرْبًا فَاِرْبًا لِمَا حَنَ الْفَوَاذُ اِلَى سِوَاكَ!

تمامی مردمان را در راه رضایت تو ترک گفتیم و عیالم یتیم گشت تا تو را ببینم اگر مرا قطعه قطعه کنی، دلم غیر از تو را نمی‌خواهد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

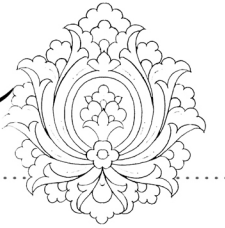
کیشته

فرهنگ عاشورا؛ شماره‌ی اول: وصال به حق



واحد فرهنگی بیمارستان خاتم الانبیاء (ص)

کر بلد در کر بلد مرماند اگر زینب نه



همه عاشورایان، مست جمال حسینی شدند و زیباترین سرود عاشقانه را پیام‌آور کربلا، حضرت زینب علیها السلام، در کوفه ابراز داشت. وقتی اهل بیت علیهم السلام به عنوان اسرای جنگی وارد مجلس عیدالله شدند، او با نخوت و غرور از حضرت زینب علیها السلام پرسید: خدا با خاندان تو چه کرد؟ دختر پیامبر با اطمینان و صلابت پاسخ داد:

«ما رأیت الا جمیلاً، هؤلاء قوم کتب الله علیهم القتل فیرزوا الی مصاحبهم...؛ جز زیبایی ندیدم! این خیل (شهدا) کسانی هستند که خدا شهادت را برایشان مقرر کرده بود و آنان به مشهد خویش شتافتند.»



حُبِّتِ الْإِسْلَامِ بِنَاهِيَان:

برای پیدا کردن علاقه‌ی به خدا، باید تمام حُبِّ الدُّنْيَا را در دلت از بین ببری. ولی با داشتن حُبِّ الدُّنْيَا هم می‌شود حسین علیه السلام را دوست داشت و شیرینی محبت او را تجربه کرد. اگر کسی می‌خواهد بفهمد که حُبِّ اللَّهِ از چه جنسی است، می‌تواند با تجربه کردن و چشیدن لذت محبت حسین علیه السلام به این درک برسد.